

# نگاه به غرب در سیاست خارجی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۲-۲۰۰۲)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۱۵  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۴

سیده مطهره حسینی\*<sup>۱</sup>  
طالب ابراهیمی<sup>۲</sup>  
صفی الله شاه قلعه<sup>۳</sup>

## چکیده

ترکیه به عنوان یک کشور مسلمان، همواره تلاش زیادی را به کار گرفته است تا بتواند در عرصه‌های داخلی و خارجی، جایگاه خود را ارتقاء بخشد. دولتمردان این کشور با تأکید بر این نکته که سیاست خارجی ادامه سیاست داخلی است، راه‌های گوناگونی را آزموده تا بتوانند وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور خود را بهبود بخشند. البته آنها در چند دهه گذشته به تدریج توانسته اند به اهداف خود دست یافته و شرایط اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های مناسبی را نسبت به دهه ۱۹۷۰ تجربه کنند. به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان (حزب عدالت و توسعه) در سال ۲۰۰۲، گفتمان سیاست خارجی این کشور را تغییر داد. در سال‌های پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه و با به کارگیری نظریه عمق استراتژیک / احمد داوود اوغلو معمار ترکیه نوین، راهبرد استراتژیک سیاست خارجی این کشور تغییر کرد. حزب عدالت و توسعه به رهبری اردوغان کوشید وارد اتحادیه اروپا شود و اکنون سیاست‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حزب حاکم عدالت و توسعه در راستای همگرایی با شرایط عضویت در اتحادیه اروپا قرار گرفته است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی این موضوع را بررسی می‌کند.

**واژگان کلیدی:** سیاست خارجی ترکیه، حزب عدالت و توسعه، اسلام‌گرایان.

---

۱. \* . استادیار پژوهشگاه علوم انسانی جهاد دانشگاهی تهران. نویسنده مسئول: ma\_hoseyni@yahoo.com

۲. مدرس دانشگاه جامع علمی کاربردی کنگان و دانشگاه آزاد اسلامی بندر دیر، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

۳. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی کمپجان، کارشناس ارشد علوم سیاسی

## مقدمه

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۰۲ ترکیه، تحولی مهم در سیاست خارجی ترکیه به وجود آمد. هم زمان با تغییر شرایط بین‌المللی پس از جنگ سرد و در پاسخ به نیازهای جدید منطقه‌ای و بین‌المللی، سیاست خارجی ترکیه نیز دگرگون شد. آنکارا همه تلاش خود را به کار بست تا با ورود به عرصه‌های تعامل و همگرایی با نظام بین‌المللی، حوزه نفوذ سیاسی و اقتصادی را برپایه منافع خود در دو محور عمده گسترش دهد: نخست اینکه با الحاق به اتحادیه اروپایی ثابت کند به لحاظ تاریخی، راهبردی و اقتصادی به اروپا تعلق دارد و دوم اینکه با بهره‌گیری از موقعیت راهبردی خود در اروپا و قفقاز و آسیا و با ایجاد ساختارهایی مدرن و توسعه‌یافته و در دست گرفتن ابتکار میانجیگری در منازعات میان کشورهای همسایه، در چالش‌های مهم منطقه‌ای ایفای نقش کند.

اما هم‌زمان با نقش‌آفرینی هرچه بیشتر این طیف نوپا در عرصه سیاسی، ترکیه در ابتدای هزاره سوم تحولاتی مهم را در عرصه سیاست خارجی در تعامل با کشورهای مناطق پیرامونی خود، اتحادیه اروپا و آمریکا نیز شاهد بوده است. با توجه به تحولات جدید در عرصه سیاست خارجی ترکیه، نوشتار حاضر در پی طرح این ایده است که در دهه ۱۹۹۰، ترکیه رویکرد غرب‌گرایانه حاکم بر سیاست خارجی دوران جنگ سرد را ادامه داده و توجه این کشور به معادلات پیرامونی در راستای نگرش غرب‌گرایانه بوده است. با بررسی سیاست خارجی ترکیه، پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ م، این پرسش مطرح می‌شود که «نوع نگاه به غرب در عرصه سیاست خارجی ترکیه پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه (۲۰۱۲ - ۲۰۰۲) چگونه بوده است؟» برای بررسی این ایده، اصول حاکم بر سیاست خارجی ترکیه، عوامل اثرگذار بر سیاست خارجی این کشور، ابعاد رویکرد منطقه‌ای سیاست خارجی و سیاست خارجی این کشور در خصوص دولت‌های غربی در دو مقطع دهه ۲۰۱۲-۲۰۰۲ و سال‌های اولیه هزاره سوم بررسی شده است. متغیرهای منطقه‌ای و بین‌المللی چندی بر سیاست خارجی ترکیه تاثیر گذاشته‌اند: بحران مالی و سیاسی بین‌المللی و تأثیرگذاری آن بر تصمیم‌گیرندگان آمریکایی و اروپایی و نیاز آنها به شرکای منطقه‌ای قوی، بحران اقتصادی برخی کشورهای اروپایی و تأثیر آن بر سیاست اروپایی‌ها، مشکلات یونان و ایتالیا که برگ برنده‌ای برای ترکیه بوده و وقوع قیام‌های مردمی در کشورهای خاورمیانه.

نوع پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است. با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات از روش‌های گوناگون و به‌طورکلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای و اینترنتی صورت

پذیرفته و تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز به‌طور عمده با شیوه تحلیل کیفی انجام گرفته است.

## الف- اصول و اهداف سیاست خارجی ترکیه

هدف اصلی سیاست خارجی ترکیه، تأمین امنیت، ثبات و صلح و رفاه ترکیه در منطقه و ایجاد شرایط لازم برای توسعه همکاری‌ها و تأمین نیروی انسانی است. اصول و اهداف سیاست خارجی سنتی ترکیه، تضمین منافع ملی ریشه‌دار تاریخی رو به سوی آینده، تأمین و حفظ منابع خارجی لازم برای تأمین توسعه و دفاع ملی از طریق برقراری دولت و متحدین جدید، حفظ و تحکیم موقعیت کشور در جهان معاصر است.

با عنایت به فلسفه بنیان‌گذاران جمهوری ترکیه، سیاست نگرش به غرب به‌عنوان اصل اول کمالیسم، موضع‌گیری سیاست خارجی را در منطقه تحت تأثیر قرار داد، به‌گونه‌ای که پس از جنگ جهانی دوم، منطقه خاورمیانه در درجه دوم اهمیت برای سیاست خارجی این کشور قرار گرفت (فولر، ۱۳۷۹: ۱۱۶-۱۱۵). سیاست نگاه به غرب، همراه با کم‌توجهی به ملاحظات منطقه‌ای تا اوایل دهه ۱۹۶۰ ادامه یافت؛ در این هنگام، دستگاه سیاسی ترکیه با متغیرهای جدید داخلی و بین‌المللی روبرو شد که حاصل آن فرایندی جدید با گرایش‌های منطقه‌ای در سیاست‌گذاری خارجی بود. با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، توجه به مسائل خاورمیانه بیشتر شد و حزب در صدد برآمد نقشی فعال‌تر در این منطقه ایفا کند؛ البته تمرکز زیاد بر امور خاورمیانه به این معنی نیست که ترکیه از متحدان غربی خود روی گردانده است. ترکیه جایگاهی مهم در سازمان‌های غربی به‌ویژه ناتو دارد و با وجود قدرت گرفتن اسلام‌گرایان در سال‌های اخیر، غربی‌ها پذیرفته‌اند که پس از پایان جنگ سرد، تغییرهای ساختاری در محیط امنیتی این کشور به‌وقوع پیوسته است. بی‌تردید ترکیه امروز با چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی روبرو است که بیشتر از محدوده جنوبی آن کشور برمی‌خیزد (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۸۶: ۲۷۷)؛ شاید این مسئله در وادار کردن آنکارا به دخالت بیشتر در تحولات خاورمیانه تأثیر داشته است.

سیاست خارجی ترکیه چندین دهه، وابستگی شدیدی به غرب داشت و در فضای راهبردی غرب تعریف می‌شد. این کشور در عمل هیچ‌گونه ابتکار عملی در حوزه شرقی و به‌ویژه خاورمیانه نداشت؛ تا جایی که هویت منطقه‌ای ترکیه با چالشی اساسی مواجه شد. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجی غرب‌گرا و تک‌بعدی، به سیاستی چندجانبه‌گرا و چندبعدی تبدیل شد (فلاح، ۱۳۹۱: ۵).

ترکیه در بحث الحاق به اتحادیه اروپا با مشکلات بسیاری مواجه بود. رهبران جدید ترکیه در این اندیشه‌اند که چگونه از برگ اعمال نفوذ منطقه‌ای برای ارتقای پرستیژ جهانی خود بهره بگیرند. سیاست نو عثمان‌گرایی نخبگان ترکیه گرچه براساس نوعی هویت‌جویی جدید شکل گرفته‌است، دو هدف دارد: یکم بازیابی هویت منطقه‌ای براساس تلفیق اندیشه اسلام متساهل با دستاوردهای مدرنیته که خواستگاه اجتماعی استواری در مصر، تونس، مراکش، سوریه و کشورهای عرب دارد؛ این بازیابی هویت منطقه‌ای اول اینکه ترکیه را بازیگر محوری در منطقه می‌کند و به عبارتی، همه کشورهای منطقه از ایران، حماس و کشورهای عربی، می‌کوشند تا از مجرای دیپلماسی ترکیه مشکلات خود را با جهان حل‌وفصل کنند. این دیدگاه، هم مزیت اقتصادی برای ترکیه دربردارد و هم مزیت فرهنگی. مزیت اقتصادی حضور ترکیه در بازار منطقه‌ای است، به‌گونه‌ای که بعد از عقد اخوتی که میان ترکیه و سوریه بسته شد، بخش زیادی از بازارهای سوریه در اختیار ترکیه قرار گرفت. بسیاری از کشورهای منطقه، الگوی ترکیه را الگوی مطلوب برای خود قلمداد کردند، بعضی از رهبران اپوزیسیون منطقه مانند اپوزیسیون سوریه به‌صراحت از الگوی ترکیه به‌عنوان الگوی جانشین در کشور خود نام می‌بردند.

ارتقای نقش جهانی ترکیه، دومین پیامد این سیاست خارجی است. ترکیه‌ای که از یک‌سو عضو ناتو بود و زمانی بسیار به اسرائیل نزدیک شده بود، اکنون علاوه‌بر ضدیت با اسرائیل می‌کوشد تا چتر بازیگری خود را گسترده کند و از طریق این ارتقای نقش، ابزار چانه‌زنی با اروپا و آمریکا را بدست آورد. به‌واسطه ثبات عملکرد، نوع نگاه غرب به ترکیه برای حل‌وفصل مسائل منطقه‌ای مثبت است.

## ب- پایه‌های سیاست خارجی نوین ترکیه

با توجه به نقش کلیدی و تأثیرگذاری که احمد داوود اوغلو<sup>۱</sup>، وزیر امور خارجه ترکیه در شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی ترکیه پس از روی کارآمدن حزب عدالت و توسعه داشته است، برای درک و شناخت سیاست خارجی ترکیه و اهداف آن در منطقه خاورمیانه، باید تحلیل را از اندیشه‌های وی شروع کرد. داود اوغلو، مهم‌ترین دیدگاه‌های خود را در قالب دو گفتمان «عمق استراتژیک» و «به‌صفرسازدن اختلاف‌ها با همسایگان» عرضه کرده است. دکترین «عمق استراتژیک»

۱. احمد داوود اوغلو، وزیر خارجه فعلی ترکیه و استاد دانشگاه در حوزه روابط بین‌الملل از معدود افراد دانشگاهی است که فرصت‌یافته تا نظریات خود را در حوزه عمل به‌مورد اجرا گذارد. وی که از او به‌عنوان «هنری کسینجر» ترکیه یاد می‌شود بر روند سیاست خارجی این کشور تأثیر شگرفی گذاشته و بیشتر نقطه نظراتش به‌مورد اجرا درآمده‌است.

که در کتابی به همین نام منتشر شده است می‌گوید ارزش یک کشور در روابط بین‌الملل، از موقعیت ژئواستراتژیک و عمق تاریخی آن نشأت می‌گیرد. بر همین اساس، ژئوپلیتیک، هسته اصلی این دکترین را تشکیل می‌دهد و مؤلفه‌هایی دیگر مانند تأکید بر قدرت نرم، تلاش برای میانجیگری و حل بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اتخاذ راهبرد برد - برد درخصوص دیگر کشورها، این دکترین را تکمیل می‌کند (Dautoğlu & Deniz, 2002).

در این دکترین، داوود اوغلو استدلال می‌کند که «ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی ویژه خود، دارای عمق استراتژیک است» و به همین دلیل باید در ردیف کشورهای منحصربه‌فرد قرار گیرد و به‌عنوان قدرتی مرکزی<sup>۱</sup>، نقش رهبری مناطق پیرامونی خود را به‌عهده بگیرد و اهمیت استراتژیک جهانی برای خود کسب کند. اینجاست که پای دکترین دوم، یعنی «دکترین به‌صفر رساندن مشکلات با همسایگان» به‌میان کشیده می‌شود. طبق دکترین یادشده، ترکیه برای اینکه بتواند به رهبر منطقه‌ای تبدیل شود و اهمیت استراتژیک بین‌المللی پیدا کند، باید با همسایگان خود روابط دوستانه برقرار کرده، مشکلات و اختلاف‌های فیمابین را از میان بردارد (صولت، ۱۳۹۰: ۱) و (Reynolds, 2012: 11). اصلی‌ترین هدف ترکیه در این چارچوب، رسیدن به بیشترین میزان همگرایی و همکاری همسایگان با این رویکرد است: «زدودن همه اختلاف‌ها و تنش‌های موجود و افزایش ثبات در منطقه از طریق وابستگی متقابل اقتصادی و جستجوی مکانیسم‌های ابتکاری و کانال‌های حل اختلاف‌ها با تشویق اقدام‌های مثبت و ایجاد پل‌های میان فرهنگی با ایجاد گفت‌وگو و فهم مشترک» ابزار و اهداف این سیاست هستند (Davutoğlu, 2010: 13).

برای عملیاتی کردن این دکترین‌ها و نظریات، اولین شرط لازم، داشتن یک دیپلماسی فعال است که برای اهداف سیاست خارجی ترکیه، طیفی گسترده از اولویت‌ها را پوشش بدهد؛ چارچوبی که این دیپلماسی در آن عمل می‌کند عبارت است از:

- امنیت مورد نظر ترکیه که بازی با حاصل جمع صفر نیست یعنی به بهای کاهش امنیت کشورهای دیگر به‌دست نمی‌آید.

- دفاع از این گفت‌وگو که همه مسائل و مشکلات می‌تواند و باید با دیپلماسی و همکاری سیاسی حل و فصل شوند.

---

۱. ساموئل هانتینگتون در دهه ۱۹۸۰ ترکیه را یکی از چهار کشور مستعد رهبری جهان اسلام (در کنار مصر، عربستان سعودی و ایران معرفی کرده‌بود. مشکل ترکیه (و ایران) این بود که هم‌نژاد و هم‌زبان جهان اسلام عربی نیست.

- وابستگی متقابل اقتصادی که با توجه به اهمیت صلح و ثبات در رویکرد جدید ضروری است.
- توازن فرهنگی و احترام متقابل.

### پ- اصول و اهداف سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه

اسلام‌گرایان فعلی، حزب عدالت و توسعه را از لایه مدرن حزب منحل شده رفاه تأسیس کردند. پس از کودتای سفید ضد اربکان و انحلال حزب رفاه، وی از سوی دادگاه قانون اساسی ناچار شد که استعفا دهد. رویدادهای پس از آن به زندانی شدن اربکان و رجب طیب اردوغان منجر شد ولی اردوغان، پس از مدتی آزاد شد و فعالیت سیاسی خود را از سر گرفت. حزب فضیلت به رهبری رجایی کوتان<sup>۱</sup> جانشین حزب منحل رفاه شد ولی این حزب هم به دلیل مخالفت نظامیان، توسط دادگاه قانون اساسی منحل شد. نبود استحکام درونی و رهبری کاریزماتیک، موجب درگیری و اختلاف درون این حزب شد. درگیری محافظه‌کاران حزب به رهبری رجایی کوتان و اصلاح‌طلبان به رهبری عبدالله گل<sup>۲</sup>، بر سر فهم اسلام و برداشت و تفسیر آن در مسائل روزمره شدت گرفت. تاجایی که رجایی کوتان، پس از انحلال حزب فضیلت، حزب سعادت را با گرایش‌های اسلامی محافظه‌کارانه تأسیس کرد. اصلاح‌طلبان و نوگرایان آن نیز، حزب عدالت و توسعه را به رهبری اردوغان و عبدالله گل تأسیس کردند (فلاح زاده، ۱۳۸۴: ۵۰).

انتخابات زودهنگام سال ۲۰۰۲ به پیروزی نوگرایان انجامید. حزب عدالت و توسعه توانست با اتخاذ دیدگاه‌های معتدل و غیرایدئولوژیک ۳۴/۲ درصد آرا را به‌دست آورد و بدون نیاز به ائتلاف با سایر احزاب، موفق شد که دولت تشکیل دهد<sup>۳</sup> (کوزه‌گر، ۱۳۸۶: ۳۶). از هنگامی که این حزب قدرت

1 . Rajai Kutan

2 . Abdullah Gul

۳ . مشکلات اقتصادی ترکیه و ضعف دولت‌ها موجب شد که انتخابات زود هنگام پارلمانی در سال ۲۰۰۲ برگزار شود. در این زمان حزب عدالت و توسعه در انتخابات برخی از مناطق شهرداری‌ها موفقیت‌هایی کسب کرده‌بود و در شهرداری استانبول عملکرد بسیار خوبی ارائه داده‌بود؛ این عملکرد و شعارهای اعتدال‌گرایانه این حزب موجب شد تا در انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۲ پیروزی چشمگیری نصیب آن شود. این حزب موفق شد با کسب ۳۴/۲ درصد آرا، ۳۵۳ کرسی از ۵۵۰ کرسی پارلمان را به‌دست آورد و بدون نیاز به ائتلاف با سایر احزاب به تشکیل دولت اقدام کرد. مشی این دولت پس از به‌قدرت رسیدن درخصوص مسائل داخلی و خارجی اعتدال و میانه‌روی بوده‌است. اسلام‌گرایی در ترکیه از مسالمت-آمیزترین راه یعنی رأی‌های مردم به فعالیت پرداخت و در همین راه به پیروزی رسید.

را به دست گرفت تاکنون همواره در صدد تشکیل حکومت اسلامی نبوده است. به نوعی می توان گفت آنها سکولار هستند تا اسلام گرا؛ زیرا مذهب را به امور فردی و شخصی منحصر کرده، حاضر نیستند احکام اسلامی را در جامعه ترک پیاده کنند. اردوغان در چند مرحله اعلام کرد گرایش حزب عدالت و توسعه به اسلام، درست به اندازه گرایش حزب دموکرات مسیحی آلمان به آموزه های مسیح است و همان اندازه که مسیحیت در تصمیم های حزب دموکرات مسیحی آلمان نقش دارد، اسلام نیز در تصمیم های ما نقش دارد. رجب طیب اردوغان، نخست وزیر و رهبر حزب عدالت و توسعه و همچنین عبدالله گل بارها تأکید کرده اند که برای برقراری دولت اسلامی در ترکیه، هیچ برنامه ای ندارند و به قانون اساسی سکولار کشورشان پایبندند (مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۸: ۲۲۶).

در مجموع، عناصر و شاخص هایی را که حزب حاکم عدالت و توسعه در سیاست خارجی طرح و برای عملیاتی کردن آن تلاش می کند، می توان در چند مورد خلاصه کرد:

- به صفر رساندن مشکلات با همسایگان (البته این سیاست تا حدودی از سال ۲۰۱۰ به بعد از اولویت خارج شده است)؛
- پیگیری جدی روند عضویت در اتحادیه اروپا (این سیاست نیز در سال های اخیر با بن بست جدی مواجه شده است)؛
- حفظ روابط راهبردی با آمریکا؛
- ایفای نقش فعال در خاورمیانه و تبدیل شدن به الگو در این منطقه در چارچوب تلفیق دین با دموکراسی؛
- تلاش برای احیای نقش تاریخی در بالکان، قفقاز و آسیای مرکزی؛
- توسعه روابط با چین، روسیه و ایران (در رویکرد نگاه به شرق)؛
- تبدیل شدن به قطب ترانزیت انرژی منطقه؛
- فرصت سازی از بحران های منطقه (نقش میانجی) برای تقویت اعتبار و نقش منطقه ای؛
- راهبرد یکپارچه در سیاست خارجی (به این معنی که هیچ یک از مناطق، جایگزین هم نمی شوند بلکه مکمل یکدیگرند)؛
- خط مشی کنش گرایانه در سیاست خارجی (نقش ایجابی در مسائل منطقه ای و جهانی)؛
- سیاست به طور کامل، فراگیر و ثابت (ایجاد تعادل در روابط خارجی میان کشورها و مناطق مختلف)؛

- بهره‌مندی از نهادهای مدنی و سازمان‌های غیردولتی تجاری در سیاست خارجی؛
- پرهیز از اتخاذ رویکرد امنیتی رویاروی غرب در منطقه.

### اصول اساسی سیاست‌های حزب عدالت و توسعه

ردیف	تبیین اصول
۱	تحکیم دموکراسی در داخل
۲	ایفای نقش محوری در منطقه و همچنین ایجاد الگویی برای کشورهای مسلمان و عرب منطقه
۳	چندجانبه‌گرایی و توجه به کشورهای عربی و مسلمان
۴	سیاست مشکلات صفر با همسایگان
۵	بازی نقش میانجی در مسائل مختلف منطقه‌ای و جهانی
۶	تلاش برای ایجاد تعادل در سیاست‌های منطقه‌ای (خاورمیانه‌ای) و اروپا-آمریکا

منبع: (ایمانی، ۱۳۹۱: ۳)

راهبرد ترکیه برای سال ۲۰۲۳ این است که در خرده‌سیستم‌های منطقه‌ای به‌عنوان مرکز و در نظام بین‌الملل به‌عنوان بازیگر شناخته‌شود؛ البته آنها خرده‌سیستم‌ها را علاوه بر خاورمیانه، به مناطق آسیای مرکزی و قفقاز، بالکان و شمال آفریقا نیز تفسیر می‌کنند. به همین سبب است که بسیاری از پژوهشگران مسائل ترکیه، رویکرد دولت اردوغان را «نوع‌ثمنی‌گرایی» معرفی و تأکید می‌کنند که عمده سیاست خارجی ترکیه در قالب سیاست‌های دولت عثمانی اعمال می‌شود، چون راهبرد آنها در بی‌معنا کردن مرزها به‌صورت دوفاکتو و درعین‌حال، احترام به استقلال ملی، الزام‌های ژئوپلیتیک برای بازگشت به حیاط‌خلوت امپراطوری به‌وجود می‌آورد. همان‌طور که ابراهیم کالین، رئیس پیشین مرکز مطالعاتی سیتا و مشاور ارشد رجب طیب اردوغان، گفته است «پسامدرنیسم ترکیه به‌ظاهر در گذشته دولت عثمانی این کشور قالب‌بندی شده است» (Kalin, 2011: 26)؛ به‌هرحال، سیاست‌گذاران ترک - می‌کوشند الگویی از مناسبات منطقه‌ای را تدوین و عملیاتی کنند که اول، نقش موازنه‌گرا در منطقه داشته باشند و دوم در سطح کلان هم بتوانند گفتمان و منافع مسلمانان را در دنیای غرب و منافع غرب و مسیحیان را در دنیای شرق و اسلامی مدیریت کنند.

### ت- ترکیه و آمریکا

در دهه ۱۹۹۰، شرایط داخلی و بین‌المللی روابط ترکیه و ایالات متحده آمریکا و نظام سرمایه‌داری



جهانی، دستخوش تغییرهایی شگرف شد. فروپاشی شوروی و از میان رفتن رقابت‌های استراتژیک جهانی میان بلوک شرق و غرب، ساختار نظام بین‌الملل حاکم بر دوران جنگ سرد را متحول کرد. برای بیش از چهار دهه آنچه به رابطه استراتژیک میان ترکیه و آمریکا جهت می‌داد، رقابت‌های استراتژیک میان دو ابرقدرت و ساختار دوقطبی نظام بین‌الملل بود. در طول سال‌های جنگ سرد، ایالات متحده و ترکیه دارای برداشت‌هایی یکسان در خصوص تهدیدهای ارائه‌شده از سوی اتحاد جماهیر شوروی و پیمان ورشو بودند. برای ایالات متحده، «ترکیه» حکم پایگاهی را در مرزهای شوروی و متحدی کلیدی در جناح شرقی ناتو داشت؛ برای ترکیه نیز ایالات متحده، نقش متحد و حامی در برابر تهدیدهای شوروی را ایفا می‌کرد. از همین رو بود که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از میان رفتن نظام دوقطبی و تغییرهای ایجادشده در چشم‌اندازهای سیاسی اوراسیا تغییرهایی بنیادین را در فضای حاکم بر روابط ترکیه و ایالات متحده به وجود آورد (Aydin and Erham, 2004, 4-6).

بسیاری از مشکلاتی که پس از حادثه ۱۱ سپتامبر در روابط ایالات متحده آمریکا با ترکیه به وجود آمد، در جنگ اول خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ ریشه دارد. این جنگ به صورت دو فاکتو موجودیت اکراد را در مرزهای جنوبی ترکیه تحت حمایت غرب به رسمیت شناخت و سبب شد این تصور در میان سیاستمداران ترک به وجود آید که روزی، دولت مستقل کردها در جنوب این کشور با حمایت غرب ایجاد خواهد شد (Brandon, 2006: 4-6). تا اینکه حمله ایالات متحده آمریکا به عراق و اشغال این کشور در سال ۲۰۰۳ م، و تشکیل اقلیم کردستان در سال‌های بعدی مشکلات موجود در روابط ترکیه و آمریکا را افزایش داد.

در سال ۲۰۰۲، اردوغان (نخست‌وزیر وقت ترکیه) پیش از نشست سران اروپا در کپنهاگ از آمریکا دیدار کرد. با وجود استقبال گرم از دولت اردوغان، او موضعی مبهم و دوپهلوی را در خصوص حمایت از آمریکا در جنگ با عراق در پیش گرفت. پس از این سفر، مذاکرات مفصلی میان مقام‌های ترکیه و آمریکا از اوایل ژانویه ۲۰۰۳، پیرامون این مسئله که «ترکیه به آمریکا در جنگ با عراق کمک خواهد کرد یا خیر؟» آغاز شد. این مذاکرات، موفقیتی دربر نداشت. اردوغان به خوبی از این مسئله آگاه بود که حمایت از حمله آمریکا به عراق به صلاح آینده سیاسی او نیست، لذا تصمیم‌گیری درباره این مسئله را به پارلمان واگذار کرد (Robins, 2007: 294-295)؛ به‌رحال مسئله حمایت ترکیه از جنگ آمریکا برضد عراق با رأی اول مارس ۲۰۰۳ پارلمان ترکیه پایان یافت.

بدین ترتیب، آنکارا با درخواست آمریکا برای استفاده از پایگاه‌های ترکیه برای حمله به عراق



اعلام کرد اگرچه مرگ صدها هزار ارمنی در وقایع سال ۱۹۱۵ یکی از بزرگ‌ترین تراژدی‌های قرن بیستم بوده، نسل‌کشی دانستن آن به‌عهدده مورخان است نه قانون‌گذاران (ماه پیشانیان، ۱۳۸۸: ۱۳). از دیگر چالش‌های موجود در روابط ایالات متحده و ترکیه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

#### - تروریسم:

ترکیه بیش از سی سال است که با تروریسم و خشونت سیاسی داخلی در شکل‌های مارکسیسم، سوسیالیسم، ملی‌گرا، راست‌گرا و بیان‌گر دیسم مبارزه می‌کند. سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه باعث برانگیختن خشونت و رادیکالیسم در منطقه شده و القاعده را به آستانه مرزهای ترکیه کشانده است.

#### - ایران:

با توجه به نیاز ترکیه به انرژی، ایران به‌عنوان دومین همسایه قدرتمند ترکیه، منبع بسیار مهم نفت و گاز، پس از روسیه، برای این کشور محسوب می‌شود. واشنگتن به گونه‌ای افراطی، ترکیه را برای پایان‌دادن به روابط گسترده و عمیق خود با ایران تحت فشار قرار داده است. دوستی میان ترکیه و ایران به حدی است که قرن‌هاست که به‌طور اساسی، هیچ جنگ جدی میان دو ملت رخ نداده، لذا آنکارا سیاست افراطی آمریکا را به‌منظور تحریم ایران برای مصالح خویش نامطلوب می‌داند؛ با این تفاسیر، اصلی‌ترین منافع ترکیه در حفظ روابط استراتژیک با آمریکا را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- نیاز به حمایت‌های اقتصادی و مالی آمریکا، به‌ویژه در نهادهای مالی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که در حل بحران‌های مالی ترکیه نقش داشتند؛
- ۲- حفظ جایگاه مناسب در ناتو و نظام امنیت دسته‌جمعی اروپایی؛
- ۳- اعمال فشار به اتحادیه اروپا برای پذیرش عضویت ترکیه؛
- ۴- استفاده از توان و دانش نظامی آمریکا برای نوسازی سیستم دفاعی ارتش با هدف حفظ برتری نظامی ترکیه به همسایگان خود؛
- ۵- حضور ترکیه در شکل‌دهی به آینده شمال عراق و مسئله کردها؛
- ۶- ورود به نظام سرمایه‌داری و اقتصاد جهانی؛
- ۷- استفاده از اعتبار آمریکا برای کسب امتیازهای اقتصادی منطقه مانند خط لوله انتقال نفت باکو-

جیحان؛

۸- نیاز ترکیه به آمریکا در برابر هژمونی روسیه در منطقه؛

۹- مهار کشمکش های قومی کردها؛

۱۰- بهره‌مندی از حمایت آمریکا در نفوذ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و قومی به منطقه آسیای مرکزی و قفقاز (افضلی و متقی، ۱۳۹۰: ۱۹۵).

هم‌اکنون، ترکیه در کنار اسرائیل همچنان مهم‌ترین هم‌پیمان آمریکا در خاورمیانه است. داوطلب شدن برای پذیرش استقرار سپر موشکی، همراهی با ناتو در حمله به لیبی، فشار و تهدید سوریه، نمونه‌های بارز وفاداری به این هم‌پیمانی است. درک مفهوم راهبردی عضویت در ناتو و هماهنگی و همکاری آنکارا در عرصه‌های مختلف با واشگتن از جایگاه ویژه آمریکا در تعیین سیاست‌های راهبردی ترکیه حکایت دارد. کمک‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که مؤسسات تحت نفوذ آمریکا هستند از عوامل مهم رشد اقتصادی ترکیه در یک دهه گذشته بوده‌اند. برخی معتقدند تغییرها در عرصه داخلی و سیاست خارجی ترکیه با هماهنگی کامل با آمریکا در حال پیگیری و تحقق است (Zanotti, 2012: 28).

به‌طورکلی باید گفت همسویی ترکیه و آمریکا، برگرفته از جایگاه ترکیه و انتظارات آمریکا است. این امر در قالب کلی‌تر باید آینده تحول‌های خاورمیانه را این‌گونه تعریف کند که ترکیه قصد دارد در جایگاهی قرار گیرد که محل رجوع طرف‌های درگیر، گروه‌های مخالف و کشورهای دچار بحران باشد. به‌عبارت‌دیگر دولت-ملت‌ها و بازیگران ملی و بین‌المللی چنین نقشی را برای خود تعریف کرده، در این راستا نیز حرکت می‌کنند.

### ث- روابط ترکیه و روسیه

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، ترکیه و روسیه توانستند در ملاقات‌های متعدد که میان مسئولان بلندپایه دو کشور انجام شد در برخی زمینه‌ها به تفاهم برسند. به‌ویژه در زمینه انرژی، بیش از ۷۰ درصد گاز ترکیه از روسیه وارد می‌شود و میان دو کشور، در بستر دریای سیاه، یک لوله انتقال گاز صادراتی اختصاصی به نام «بلواتریم»<sup>۱</sup> کشیده شده است. دو کشور قراردادی جداگانه برای گسترش تجارت انرژی امضا کرده‌اند که می‌تواند ترکیه را به کشوری کلیدی به‌منظور

1 . Blvatrym

گسترش ترانزیت گاز روسیه به اروپا تبدیل کند. حجم تجارت میان دو کشور به سطحی بی سابقه رسیده است (Hill and Tospinar, 2006: 2) و (کرمی، ۱۳۹۰: ۶۴).

با وجود همکاری‌های رو به گسترش روسیه و ترکیه پس از سال ۲۰۰۲، هر دو کشور در پی تقویت جایگاه منطقه‌ای خود هستند، چرا که هر دو کشور برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز رقابت می‌کنند. گذشته از این، اتحاد راهبردی با روسیه این الزام را برای ترکیه در پی خواهد داشت که مناسبات خود را با اتحادیه اروپا کم‌رنگ کند. درحالی‌که ترکیه بخش عمده تجارت خارجی خود را با دو طرف عمده غربی، یعنی اتحادیه اروپا و آمریکا انجام می‌دهد که همچنان مهم‌ترین متحدان و شریکان امنیتی آن کشور هستند (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۰۶).

مناسبات ترکیه با روسیه در دوره حزب عدالت و توسعه، در حوزه‌های انرژی، تجارت و جهانگردی، توسعه‌ای چشمگیر یافته و مقام‌های دو کشور از آن به‌عنوان مناسباتی با ماهیت راهبردی سخن می‌گویند. با توجه به تغییر و تحول‌ها در موازنه‌های قدرت در منطقه و جهان به‌ویژه در دهه اخیر، ترکیه و روسیه در رقابتی پنهانی هم‌زمان با توسعه مناسبات و همکاری‌ها کوشیدند در حد ممکن از بروز تنش در مناسبات پرهیز کرده، به منافع یکدیگر احترام بگذارند. ترکیه و روسیه در این دوران، مناسبات خود را بر حفظ منافع مشترک در دریای سیاه و آسیای مرکزی به‌منظور مقابله با نفوذ کشورهای غربی به این مناطق متمرکز کردند (House, 2009: p 4).

این سیاست در دوره دوم ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین همچنان ادامه خواهد یافت و روسیه با حفظ روابط توأم با اختلاف با غرب، مناسبات خود با ترکیه را به‌عنوان یکی از محورهای سیاست راهبردی خود برای ایجاد توازن با غرب و براساس اعتماد و احترام متقابل به‌کار خواهد گرفت. چالش‌هایی جدید مانند استقرار سامانه رادار دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه و بحران سوریه از موضوع‌هایی هستند که پوتین با آن روبه‌رو خواهد بود. مسکو بارها اعلام کرده است که این اقدام را به‌عنوان تهدیدی برای امنیت ملی روسیه قلمداد می‌کند (ترکیه آنلاین، ۱۳۹۱).

شاید مهم‌ترین تضاد سیاسی میان روسیه و ترکیه در سال ۲۰۱۲، بحران سوریه باشد، چراکه رویکرد سیاست خارجی دو کشور در قبال دولت سوریه، متناقض و در مقاطعی متعارض است. درحالی‌که مواضع ترکیه بیشتر در راستای سیاست کشورهای غربی و بر مدار حمایت از مخالفان دولت سوریه استوار است، روسیه نگاهی متفاوت به این بحران دارد. تحول‌های منطقه قفقاز نیز دربرگیرنده اختلاف‌نظرهایی میان آنکارا و مسکو است. اختلاف‌های ترکیه و روسیه بر سر بحران

قره‌باغ، مسئله گرجستان، ارمنستان و تحولات آسیای مرکزی و مناسبات روسیه با بخش یونانی‌نشین قبرس نیز می‌تواند موجب بروز تنش در مناسبات آنکارا با مسکو شود. به‌هرحال، استقرار سامانه سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه و بحران سوریه را بتوان از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی مناسبات دو کشور ارزیابی کرد.

در کل باید اشاره کرد که در شرایط فعلی مسکو و آنکارا، به‌دنبال بازتعریف روابطشان هستند. با توجه به پیشینه نامطلوب روابط ترکیه و روسیه باید عنایت داشت که روابط دو کشور در سال‌های اخیر در دو بخش سیاسی و اقتصادی، رشدی متفاوت داشته است؛ بدین معنی که در زمینه مسائل اقتصادی و به‌ویژه انرژی، رشدی بسیار چشمگیر را شاهد بوده‌ایم در صورتی‌که در زمینه سیاسی با وجود اشتراک‌های بسیار، ترس و رقابت بر روابط حاکم است.

### ج- رابطه ترکیه و اتحادیه اروپا

در طول دهه ۱۹۹۰، در کنار روابط ترکیه با ایالات متحده آمریکا، روابط ترکیه با اتحادیه اروپایی و تلاش‌های این کشور به‌منظور پیوستن به این سازمان منطقه‌ای نیز، جنبه دیگر رویکردهای غرب‌گرایانه ترکیه را تشکیل می‌دهد. هرچند در این دوران ابهام‌های بسیاری در خصوص عضویت و ملزومات پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی توسط این نهاد مطرح شد و فرایند عضویت ترکیه را در هاله‌ای از ابهام قرارداد، تا آنجایی‌که به ترکیه مربوط می‌شود، این کشور به استثنای دوره کوتاه روی کار آمدن اسلام‌گرایان حزب رفاه به رهبری نجم‌الدین اربکان (۱۹۹۷)، تلاش‌های خود را برای پیوستن به این سازمان منطقه‌ای ادامه داده است (چگینی‌زاده و خوش‌اندام، ۱۳۸۹: ۲۰۱).

دولت ترکیه از مدت‌ها پیش، برنامه پیوستن به اتحادیه اروپا را به‌عنوان سیاست رسمی خود دنبال می‌کند و این امر، بیشتر در آموزه‌های ناسیونالیستی و نیز پان‌ترکیسم ریشه‌دارد که ترکیه را بخشی از تمدن غرب می‌داند و در پی پیوستن به آن است (احمدی، ۱۳۸۸: ۴).

حزب عدالت و توسعه، در سیاست خارجی خود، مناسبات نزدیک با اروپا به‌ویژه عضویت در اتحادیه اروپا را به‌عنوان رکن اصلی تعقیب می‌کند. نشست سران اتحادیه اروپا در دسامبر ۲۰۰۴ در بروکسل، با آغاز مذاکرات الحاق ترکیه موافقت کرد و پیرو آن مذاکرات آنکارا با اتحادیه اروپا در دسامبر ۲۰۰۵ به‌طور رسمی شروع شد (اشلقی و نقدی نژاد، ۱۳۸۵: ۱). اگرچه تاکنون، روابط با اتحادیه اروپا براساس خواست ترکیه پیشرفت نکرده و سردی مناسبات دو طرف محسوس بوده است.

عامل اصلی، کندی ترکیه در روند اصلاحات داخلی است. در حالی که دولت اردوغان در ابتدای پیروزی حزبش در سال ۲۰۰۲، اولویت زیادی به اصلاحات داده بود، با وجود این، روند کند اصلاحات، به تعبیر غربی‌ها، روند مذاکرات الحاق را کند ساخت. از طرف دیگر، واکنش‌ها و رفتار برخی محافل اروپایی نسبت به مسائل داخلی ترکیه، شیفتگی اولیه نسبت به اتحادیه اروپا را در بخش‌هایی از حزب عدالت و توسعه با چالش روبه‌رو کرد. تصمیم دادگاه حقوق بشر اروپایی<sup>۱</sup> در ژوئن ۲۰۰۴ مبنی بر عدم حمایت از حق دولت در موضوع حجاب، شوکی بزرگ بر بیشتر اعضای حزب عدالت و توسعه وارد کرد (نوع پرست، ۱۳۸۶: ۸۰-۹۱)؛ عامل دوم، کاهش چشمگیر گرایش عمومی اروپا به گسترش اتحادیه اروپا، به‌ویژه پذیرش ترکیه، پس از همه‌پرسی فرانسه و هلند در ماه‌های مه و ژوئن ۲۰۰۵ است (واعظی، ۱۳۸۶: ۱).

از سوی دیگر، با وجود برخی علائم حاکی از استقبال از عضویت آن کشور در اتحادیه اروپا، نگاه منفی اروپا به عضویت ترکیه، موجب ناخشنودی مردم ترکیه از اتحادیه اروپا شده و روند حمایت مردم از عضویت در این اتحادیه در چند سال اخیر، کاهش چشمگیر داشته است، تاجایی که حمایت ۷۳ درصدی مردم ترکیه از عضویت در اتحادیه اروپا به ۵۴ درصد در سال ۲۰۰۶ و ۴۰ درصد در سال ۲۰۰۷ کاهش یافت (قاسمی، ۱۳۸۸: ۷). با وجود این مشکلات، دولت اردوغان به عضویت در اتحادیه اروپا متعهد مانده است. وی در آستانه انتخابات ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷، قول داد که تلاش برای عضویت در اتحادیه اروپا را دوچندان سازد (Robins, 2007: 293). موضوع‌هایی مهم و حل‌نشده (از نظر اتحادیه اروپا) در راه پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا وجود دارند. مهم‌ترین موضوع‌های مورد نظر اروپا عبارت‌اند از (آقازاده، ۱۳۸۳: ۱۵):

- داشتن یک اقتصاد بازار، پویا، مستعد و قابل رقابت با اقتصادهای اعضای اتحادیه؛
  - داشتن نظام سیاسی باثبات که تضمین‌کننده دموکراسی، حکومت قانون، رعایت حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها باشد؛
  - توانایی دولت‌های خواهان عضویت برای برآورده کردن تعهدهای ناشی از عضویت به‌ویژه اهداف اتحادیه مالی و پولی به‌عنوان رکن سوم اتحادیه؛
- این پیش‌شرط‌ها تا حدود زیادی، مسیر کشورهای خواهان عضویت در اتحادیه را مشخص ساخته‌اند. آغاز مذاکرات پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، به روند اصلاحات دموکراسی در این کشور

1 . European Court of Human Rights (ECHR)

کمک کرده است. تمایل مردم ترکیه برای پیوستن کشورشان به اتحادیه اروپا و روند پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا موجب شده ترکیه، مجموعه قوانین خود را اصلاح و حقوق بنیادی را تقویت - کند تا با استانداردهای اروپا همخوانی داشته باشد. ترکیه کشور پهناوری نیست ولی از لحاظ راهبردی، بسیار اهمیت دارد. از لحاظ ژئوپلیتیکی در منطقه‌ای حساس و ناآرام واقع شده و کشوری است سکولار با جمعیت مسلمان. برای سکولارها عضویت کشورشان در اتحادیه اروپا به آنها اطمینان می‌دهد که دین و سیاست در ترکیه از یکدیگر جدا خواهند ماند و همچنین این ضمانت را می‌دهد که با کم‌شدن قدرت ارتش، درها به روی بنیادگرایان و کردهای جدایی طلب باز نخواهد شد. از لحاظ راهبردی و ژئوپلیتیکی، عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا بسیار مثبت ارزیابی می‌شود. (Chislett, 2012:3).

آگه‌من باغیش<sup>۱</sup> وزیر امور اتحادیه اروپای ترکیه پس از انتشار گزارش اتحادیه اروپا در مرکز ستا<sup>۲</sup> (بنیاد تحقیقات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی) گفت: در مقایسه با نظام اقتصادی اتحادیه اروپا، ترکیه رشد اقتصادی خوبی دارد. ترکیه از نظر اقتصادی، به بازاری بسیار مطلوب برای کشورهای اروپایی تبدیل شده است. اتحاد اروپا، بزرگ‌ترین الگوی تغییر و تحول اجتماعی ترکیه به‌شمار می‌آید. اصلاحات اروپایی در ترکیه، این کشور را به کشوری پیشرفته تبدیل خواهد کرد. ترکیه روند عضویت در اتحادیه اروپا را ادامه خواهد داد. توسعه و تقویت دموکراسی به دلیل اجرای اصلاحات اروپایی، ترکیه را به منبع الهام دموکراسی‌خواهی ملت‌های اروپایی در بهار عربی تبدیل کرده است. هم ترکیه و هم اتحادیه اروپا در حال تغییرند و اروپای جدید بدون حضور ترکیه وجود نخواهد داشت (قائم‌مقامی، ۱۳۹۱: ۲).

هر چند برخی مشاهدات و گمانه‌زنی‌ها حاکی از آنند که هر دو طرف باید خود را برای پایان دادن به روند مذاکرات آماده سازند. چنان‌که اردوغان در سال ۲۰۱۱ م گفت: «اگر اتحادیه اروپا ترکیه را نمی‌خواهد این را بگوید و ما را بیش از این خسته نکنند». بسیاری از کارشناسان اروپایی بر این باورند که مذاکرات ترکیه و اتحادیه اروپا، به احتمال، ده سال یا بیشتر به‌طول بینجامد. در هر دوره، دولت‌هایی که ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را برعهده می‌گیرند، باعث به‌تعویق افتادن روند مذاکرات می‌شوند؛ مگر اینکه هر دو طرف به‌طور متقابل برای پایان دادن به روند مذاکرات توافق کنند (Morelli, 2011: 16).

1 . Ige men Baghysh  
2 . SETA



در طرح‌هایی که به تغییر در قانون اساسی ترکیه منجر می‌شوند تلاش می‌شود که اعتراض‌های اتحادیه اروپا به برخی از قوانین که به‌عنوان مانعی بر سر راه عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا ارزیابی شده‌اند، رفع شود. ترکیه قرار است به تغییر دیدگاه‌های خود در موضوع‌هایی از قبیل مناقشه قبرس، بحران‌های موجود با یونان، بررسی هزینه‌های ارتش از سوی دیوان محاسبات، تساوی حقوق زن و مرد، انحلال دادگاه‌های امنیت دولتی، حذف نماینده ستاد ارتش از شورای سازمان آموزش عالی، بهبود وضعیت آزادی رسانه‌ها و پذیرش برتری حقوقی قراردادهای بین‌المللی نسبت به حقوق داخل بپردازد.

از سوی دیگر، اتحادیه اروپا به‌خوبی می‌داند که ترکیه برای آمریکا اهمیتی بسزا دارد؛ چراکه ترکیه از بعد ژئوپلیتیکی در منطقه حساس و متشنج خاورمیانه از اهمیتی بالا بهره‌مند است و به‌طور سنتی، جذاب‌ترین ویژگی ترکیه برای اروپا، سکولاریسم حاکم بر این کشور است که غرب، آن را نوعی به رسمیت‌شناختن الگوی برتر سیاسی - فرهنگی جامعه اروپایی تلقی می‌کند. بدون تردید ترکیه، کشوری درون اروپا محسوب نمی‌شود از این‌رو، عضویت آن در اتحادیه اروپا نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن موقعیتش در برابر دیگر کشورها ارزیابی شود؛ به این دلیل، فهرست پیش‌شرطها برای عضویت ترکیه طولانی‌تر از دیگر کشورهای اروپاست. هر دو طرف، هنوز می‌کوشند به‌جای پذیرفتن یکدیگر، همدیگر را مدیریت کنند. در نگاه غرب، ترکیه از سه جنبه حایز اهمیت است.

- به‌عنوان مدلی برای دولت‌های قفقاز، آسیای مرکزی و بالکان؛
  - ظهور یا افول جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه؛
  - آزمون تأثیربخش خصوصی فعال در ثبات و اصلاحات سیاسی (Khalilzad, 2000: 45).
- غرب و نظام سرمایه‌داری در این سه مورد دارای منافع حیاتی است و حضور در مناطق پیرامون ترکیه تا حد زیادی وابسته به این سه عامل می‌داند. در صورتی که ترکیه نتواند در این سه هدف موفق شود، منافع غرب با خطرهای جدی مواجه خواهد شد. در کنار اینها همکاری ترکیه و اروپا در زمینه‌های زیر برای غرب اهمیت حیاتی دارد:
- تأمین امنیت انتقال انرژی از مناطق قفقاز، خلیج فارس و آسیای مرکزی به بازارهای جهانی؛
  - مبارزه با تسلیحات کشتار جمعی، به‌خصوص در خاورمیانه؛
  - جلوگیری از گسترش ناامنی‌های ناشی از تحولات روسیه؛ از جمله، مهاجرت، منازعات قومی و نیز ناامنی در دریای سیاه (Khalilzad, 2000: 48).

واقعیت‌های موجود گویای آن‌اند که دست‌کم تا دو دهه بعد مناطق پیرامون ترکیه، اهمیت خود را

در نظام بین‌الملل از دست نخواهند داد و این امتیازی برای ترکیه است تا از این طریق، اتحادیه اروپا را تحت فشار قرار دهد.

### چ- روابط ترکیه و یونان

روابط با یونان از افق‌های پرابهام در چشم‌انداز تصویر اروپایی ترکیه است. دولت اردوغان، سیاست تنش‌زدایی با یونان را که از سال ۱۹۹۹ آغاز شد، ادامه داده و هم‌اکنون مناسبات جاری یونان و ترکیه بهتر از همیشه است. مبادلات تجاری و گردشگری میان دو کشور افزایش یافته و همکاری در زمینه انرژی با افتتاح خط لوله گاز ۳۰۰ میلیون دلاری که میادین غنی گاز قفقاز را به اروپا وصل می‌کند، تقویت شده است (قاسمی، ۱۳۸۸: ۱۰۴). همکاری‌های رو به گسترش ترکیه و یونان در زمینه انرژی، موجب پویایی مناسبات در سطوح مختلف و عاملی برای کاستن از حساسیت پیشین بر سر قبرس شده است. خطر درگیری نظامی ترکیه با یونان به طرز چشمگیر فروکش کرده و موضع دو کشور درباره قبرس، دیگر همچون گذشته روابط را پرتنش نمی‌سازد (Çakmak, 2012: 21).

در میان کشورهای همسایه ترکیه، فقط یونان است که دولت ترکیه تاکنون برای بهبود روابط با این کشور به لحاظ تحمیل شرایط موجود و اختلاف‌های دیرینه دو کشور به آن اقدام نکرده بود. رسانه‌های یونان نوشته‌اند، ترکیه در این دوران بحرانی، خواهان توسعه همکاری‌های بازرگانی و اقتصادی با یونان است و از آتن می‌خواهد تا تسهیلاتی در زمینه صدور روآدید ورود کارآفرینان ترکیه‌ای به بازار یونان وضع کند. دو کشور، همکاری‌های اجتماعی، تجاری، اقتصادی و فرهنگی خود را طوری تنظیم خواهند کرد که تا حد امکان از مشکلات حقوقی و سیاسی موجود میان دو طرف متأثر نشوند. بهبود روابط ترکیه با یونان در شرایطی که این کشور یکی از سخت‌ترین بحران‌های اقتصادی را سپری می‌کند، می‌تواند خاطره‌ای خوب در اذهان ملی آن کشور نسبت به ترکیه به جای گذارد که البته در حل مشکلات موجود میان دو کشور تأثیرگذار خواهد بود (ایرنا، ۱۳۹۰).

جدا از مسئله قبرس، روابط ترکیه با یونان بیشتر بر دو موضوع، متمرکز شده است: نخست دریای اژه و دوم اتحادیه گمرکی ترکیه با اتحادیه اروپا. در واقع، یونان نمی‌خواهد جامعه اروپا روابطش را با ترکیه بهبود بخشد، ولی با نفوذ روزافزون ترکیه در بالکان، قفقاز و آسیای مرکزی، هراسش از ترکیه بیشتر شده است. بدیهی است ترکیه در میان اردوگاه غرب از جمله جامعه اروپا برای یونان بهتر از دیگران بود، اما یونان همواره به استفاده از قدرت و توی خود ضد ترکیه تهدید کرده است.

## ح- روابط ترکیه و قبرس

بحران قبرس، از پیچیده‌ترین معضلات پیش روی سیاست خارجی ترکیه است. در حالی که در عرصه خارجی، آمریکا و اتحادیه اروپا خواهان حل بحران قبرس و وحدت دو بخش شمالی (ترک‌نشین) و جنوبی (یونانی‌نشین) هستند، در صحنه داخلی ترکیه، سکولارها و نظامیان، موضوع قبرس را به موضوعی ناسیونالیستی و امنیتی تبدیل کردند و ازدست‌دادن نفوذ ترکیه در قبرس شمالی را شکستی فاحش برای ترکیه در برابر دشمن دیرین خود، یعنی یونان می‌دانند. با شکست رؤف دنکتاش<sup>۱</sup> در انتخابات سال ۲۰۰۵، موضع کمالیست‌ها و نظامیان در داخل قبرس تضعیف شد، ضمن اینکه پیروزی محمد علی طلعت هم نشان داد که خود مردم قبرس خواهان حل مشکل جزیره به‌منظور رفع مشکلات اقتصادی و خروج از انزوای سیاسی هستند (قهرمانپور، ۱۳۸۴: ۷۳).

اختلاف‌های سنتی ترکیه و قبرس در اواخر سال ۲۰۱۱ م و به‌دنبال اقدام دولت ترکیه در ارسال کشتی اکتشافی و پژوهشی به جزیره قبرس و بخش‌هایی از قبرس جنوبی که با کشتی جنگی اسکورت می‌شد، شدت یافت. به‌دنبال بالاگرفتن اختلاف، رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه هشدار داد که کشورش در برابر عملیات اکتشافی قبرس جنوبی مقابله می‌کند و استخراج منابع هیدروکربنی و معدنی در این مناطق را افزایش می‌دهد. در ۲ ژوئیه ۲۰۱۲ میلادی، تانر ایلدیز، وزیر انرژی ترکیه و درویش اروغلو، رهبر قبرس شمالی، عملیات حفاری در روستای سینگراسی نزدیک فاماگوستا را طی مراسمی کلید زدند. وزیر انرژی ترکیه در این مراسم تصریح کرد که ترکیه فعالیت‌های اکتشاف نفت را با هدف گسترش همکاری‌های مشترک با قبرس شمالی آغاز کرده است. اروغلو با بیان اینکه آغاز فعالیت‌های مشترک حفاری ترکیه و قبرس شمالی، لحظه‌ای تاریخی است که برای قبرسی‌های ترک اهمیتی استراتژیک دارد، افزود: «ما به هیچ‌کس اجازه نمی‌دهیم حقوق قبرس شمالی در شرق مدیترانه را از آنها سلب کنند» (Europe Report, 2012: 5).

به این ترتیب می‌توان گفت مسئله قبرس تا حدود زیادی، گروگان روابط ترکیه و اتحادیه اروپاست. اگر ترکیه بخواهد پیش‌شرط‌های اتحادیه اروپا را بپذیرد، یکی از این پیش‌شرط‌ها مواجهه یکسان با اعضای اتحادیه اروپا و از جمله قبرس جنوبی است. اکنون دیگر ترکیه نمی‌تواند روابط خود را با قبرس فقط به روابط دوجانبه محدود کند، بلکه باید با قبرس جنوبی در قالب اتحادیه اروپا

1 . Rauf Denktaş

برخورد کند و به‌عنوان نمونه اجازه دهد سفارت قبرس در خاک ترکیه آغاز به‌کار کند. همین‌طور در روابط بازرگانی، حقوقی ترکیه نمی‌تواند با قبرس مستثنی از اروپا برخورد کند. آنچه مسلم است اینکه قبرس، عضو اتحادیه اروپا است و رای آن برای حضور ترکیه در جمع کشورهای اروپایی، سند محسوب می‌شود. باوجوداین، رویکرد ترکیه در قبال بحران قبرس سبب شده است تا آنکارا از اتحادیه اروپا دورتر شود. بی‌تردید در دوران ریاست قبرس بر اتحادیه اروپا به تا پایان سال ۲۰۱۲ میلادی، یعنی زمان پایان ریاست قبرس بر اتحادیه اروپا این روند تشدید شد تا زمانی که بحران قبرس حل نشود، ترکیه نمی‌تواند در اتحادیه اروپا وارد شود. رأی منفی قبرس و یونان هم‌اکنون مسجل است و همین مسئله باعث دورتر شدن ترکیه از اتحادیه اروپا شده است (Davutoğlu, 2012: 14).

برای ارزیابی مفید رویدادهای بالا باید به چند نکته اساسی توجه کرد. همواره مسیر توافقی‌های هر کشوری با اتحادیه اروپا بسیار پرفراز و نشیب و پیچیده است. نمونه‌های زیادی در این خصوص وجود دارند که برنامه هسته‌ای ایران نیز جزو آنهاست.

روند امتیازگیری از طرف مقابل، جزء لاینفک سیاست اتحادیه اروپایی به‌خصوص کشورهای تأثیرگذار در آن، فرانسه، انگلستان و آلمان است و ما همواره شاهد این روند در بسیاری موارد هستیم. باقی‌ماندن مسئله قبرس به‌عنوان موردی حل‌نشده در آینده برای اتحادیه اروپا می‌تواند به‌عنوان اهرم فشاری ضد ترکیه عمل کند، زیرا بحث قبرس برای ترکیه، اعم از دولت و ملت مسئله‌ای حیثیتی به‌شمار می‌رود و انتظار عقب‌نشینی در آن مورد به نظر دور می‌رسد. به همین دلیل با محور قراردادن قبرس، مدرک و دلیلی محکم، همواره در دستان اروپایی‌ها خواهد بود که در طول مذاکرات، ترکیه را به دادن امتیاز مجبور کنند.

آنچه بدیهی به‌نظر می‌رسد این نکته است که اگر در سال‌های آینده، ترکیه در قبال یک پیشنهاد جذاب درخصوص حل مسئله قبرس شمالی، به تأیید و به‌رسمیت شناختن قبرس جنوبی اقدام کرد، نباید شگفت‌زده شد، زیرا با توجه به اهمیت موضوع اتحادیه اروپا، ترکیه به هر طریقی به پیشرفت در مسیر مذاکرات تمایل خواهد داشت. البته نباید فراموش کرد که خط‌قرمزهایی نیز وجود دارند که قبرس، یکی از آنهاست.

## نتیجه‌گیری

سیاست خارجی ترکیه پس از به‌قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، رویکردی نوین را درپیش

گرفت. پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، دستگاه سیاست خارجی ترکیه با تأکید بر غرب محوری و غرب مداری، «نگاه به شرق و فاصله گرفتن از سیاست‌های پان‌ترکیستی به همراه گرایش جدی برای عضویت در اتحادیه اروپا» را الگوی کار قرار داد. این حزب مصمم است تا نگاه امنیتی حاکم بر روابط ترکیه و روسیه در گذشته را به نگرشی مسالمت جویانه بر روابط دو کشور تبدیل کند. این کشور به دنبال یک سیاست خارجی چندوجهی است اما سیاست جدید حزب عدالت و توسعه همواره با این انتقاد روبرو بوده که در تعارض با سیاست‌های غرب‌گرایی قرار دارد. روند عضویت در اتحادیه اروپا از یک سو این واقعیت را نشان می‌دهد که ترکیه به خوبی می‌داند از فردای روز قرار گرفتن زیر پرچم آبی اتحادیه اروپا، منافع مشترک با اروپایی‌ها پیدا می‌کند، پس در حلقه امنیتی آنان نیز قرار می‌گیرد. دومین مزیت چشم‌نپوشیدنی، آن است که گردش نیروی کار آزاد با کشورهای صنعتی و پیشرفته در قلب این اتحادیه ایجاد می‌شود و این برگ برنده اقتصادی کوچکی برای ترک‌ها نخواهد بود. گذشته از آن به شکلی گسترده و پیوسته، استانداردهای زندگی و دموکراسی در ترکیه به استانداردهای موجود در اروپا نزدیک می‌شوند. از سوی دیگر، این روند عضویت به صورت فرایند و خط مونتازی بوده و مختص عملکرد حزب عدالت و توسعه نیست بلکه این حزب به عنوان عاملی محرک و شتاب‌دهنده عمل کرده است. همان طوری که گفته شد دیدگاه حزب عدالت و توسعه نسبت به اتحادیه اروپا بر اساس نگاه استراتژیک مبتنی بر صلح جهانی و منطقه‌ای است؛ در حالی که احزاب کمالیسم بر اساس رویکرد احترام به دولت-ملت، دولت لائیک و عضویت کامل همراه با سربلندی عمل می‌کنند.

## منابع

### ۱- منابع فارسی

- ابراهیمی، طالب (۱۳۸۹)، تبیین رابطه ترکیه و آمریکا و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر (۲۰۰۷-۲۰۰۱)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸)، «ترکیه، پان ترکیسم و آسیای مرکزی». *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (ویژه همایش مطالعات منطقه‌ای، سال دوم، شماره ۵، زمستان).
- اشلقی، مجید عباس و حسن نقدی نژاد (۱۳۸۵)، «چشم‌انداز عضویت ترکیه در اتحادیه اروپایی»، *گزارش راهبردی*، معاون پژوهش‌های سیاست خارجی.

- افضلی، رسول و افشین منقی (۱۳۹۰)، «بررسی و تبیین ژئوپلیتیکی اسلام‌گرایی اعتدالی در سیاست خارجی ترکیه از ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱، با رویکرد سازه‌انگاری»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره ۴.
- چگینی‌زاده، غلامعلی و بهزاد خوش اندام (۱۳۸۹)، «تعامل و تقابل پیرامون‌گرایی و غرب‌گرایی در سیاست خارجی ترکیه»، *فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵.
- فلاح‌زاده، محمد هادی (۱۳۸۴)، *آشنایی با کشورهای اسلامی (۳) ترکیه*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- قائم‌مقامی، علی (۱۳۹۱/۳/۱)، «نظر اروپا درباره سیاست خارجی ترکیه»، ایران بالکان (ایرنا).
- قاسمی، حسین (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی دولت اسلام‌گرای ترکیه»، *ماهنامه معاونت آموزش و پرورش*، رویدادها و تحلیل‌ها، سال بیست و سوم، ماهنامه ۲۳۳.
- قهرمانپور، رحمان (۱۳۸۴)، «جهت‌گیری عمده سیاست خارجی ترکیه، تعاملات ایران و ترکیه در آغاز قرن بیست‌ویکم»، *نامه دفاع*، شماره ۴.
- کرمی، جهانگیر و زینب نجفی (۱۳۹۰)، «همکاری‌های روسیه و ترکیه: هدف‌ها، گستره و چشم اندازها»، *فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی*، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۹، پاییز و زمستان.
- کوزه‌گر، ولی (۱۳۸۶)، «پیروزی مجدد اسلام‌گرایان در ترکیه و آینده سیاست خارجی این کشور»، *معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی*، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ماه پیشانیان، مهسا (۱۳۸۸)، «ترکیه و تمایلات اسلام‌گرایانه»، *پگاه حوزه*، شماره ۲۵۸.
- نوع پرست، زهرا (۱۳۸۶)، «ترکیه و اتحادیه اروپا: دو دستگی آرا»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره ۲۰۹ - ۲۱۰.
- واعظی، محمود (۱۳۸۷)، «تجربه جدید در ترکیه؛ تقابل گفتمان‌ها»، *معاون پژوهش‌های سیاست خارجی* مرکز تحقیقات استراتژیک، *راهبرد*، شماره ۴۷۰.
- واعظی، محمود (۱۳۸۶)، «تحولات اتحادیه اروپا و رویکرد سیاست خارجی فرانسه؛ تغییر معادله»، *همشهری دیپلماتیک*، معاون پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک.

## ۲- منابع لاتین

- Aydin, Mustafa and Erhan, Cagri (2004), *Turkish- American Relations, Past, Present and Future*, Rutledge, New York.
- Brandon, James (2006), "The Evolution of the PKK: New Faces, New Challenges", Jamestown Foundation, *Terrorism Monitor*, Vol. 4, No. 23.
- Davutoğlu, Ahmet, (2010), "Turkish Foreign Policy and the EU in 2010", *Turkish Policy Quarterly*, Volume 8.
- Hamzawy, Amr (July 2008). "Party for Justice and Development in Morocco: Participation and Its Discontents". *Carnegie Endowment for International Peace*, (Retrieved ۳۰ November ۲۰۱۱)
- Khalilzad, Zalmay (2000), "Changes on the Turkish Domestic Scence and the Foreign Policy Implications," in *The Future of Turkish-Western Relation: Toward a Strategic Plan*, Washington: RAND Publications.
- Morelli, Vincent (September 9, 2011), "European Union Enlargement: A Status Report on Turkey's Accession Negotiations", *CRS Report for Congress*.
- Pipes, Daniel (2011), " Turkey, Iraq Q Mosul", *Middle East Quarterly*, No.3.
- Reynolds, Michael A. (2012), *Echoes of Empire: Turkey's Crisis of Kemalism and the Search for an Alternative Foreign Policy*, The Saban Centre for Meddle East Studies, Brookings Institution.
- Robins, Philip (2007), "Turkish Foreign Policy Since 2002: between a post-islamist Government and a Kemalist", *International affairs*, Vol. 83.
- Zanotti, Jim (2012), "Turkey: Background and U.S. Relations", *Specialist in Middle Eastern Affairs*, vol. 8, No.6.

## ۳- منابع الکترونیکی

- آقازاده، مازیار (۱۳۸۳). «حرکت ترکیه به سمت اتحادیه اروپا». قابل دسترسی در: [www.did.ir/document/index.aspx?cn=na](http://www.did.ir/document/index.aspx?cn=na) ۰۰۰۲۰۰۴۵۴۱۲۴۹۲۵۱۱
- ایمانی، همت (۱۳۹۱/۱/۸). «سیاست خارجی ترکیه در پرتو بهار عربی». دیپلماسی ایرانی، برگفته از: <file://localhost/E:/maghale/kkk>

- ترکیه آنلاین (۱۳۹۱/۴/۱۱). «چشم‌انداز روابط ترکیه با روسیه در دوران ریاست جدید پوتین»،  
http://turkiyeonline.blogfa.com برگرفته از:
- صولت، رضا (۹۰/۱۲/۲۲). «انقلاب‌های عربی و چالش‌های معمار سیاست خارجی ترکیه»،  
http://merc.ir برگرفته از:
- فلاح، رحمت‌الله (۱۳۹۱). اهداف و چالش‌های راهبردی ترکیه در تحولات سوریه، برگرفته از:  
www.basirat.ir/news.aspx?newsid=239043
- فراهانی، احمد (۱۳۸۲/۷/۲۸). «سود و زیان ترکیه از مداخله نظامی در عراق». نشریه جمهوری  
اسلامی، برگرفته از:  
www.ilasoftware.com, 14201667
- Çakmak, Gizem(2012), Greek -Turkish Relations in the post Helsinki Period: Is Europe a framework providing détente? Available at: www.idec.gr.
- Chatham House, (2009), *Turkey, Russia and the Caucasus: Common and Diverging Interests, London, The Royal Institute of International Affairs*,  
www.chathamhouse.org.uk Crisis Group Europe Report (2012), Aphrodite's Gift Can: Cypriot gas Power a New Dialogue? N. 216.
- Chislett, William (2012), The EU's Progress Report on Turkey: No End in Sight, Available at: www.washingtonpost.com/opinions/turkeys-miscarriage-of-justice/2012/09/21).
- Davutoğlu, Ahmet (2012), "Turkey's Zero-Problem Foreign Policy", in Foreign Policy Online, Available at: www.foreignpolicy.com/articles, (accessed on, 10 May).
- Hill, Fiona. Tospinar, Omer (2006), "Russia and Turkey in The Caucasus: fa.wikipedia.org/wiki.
- Taşpınar, Ömer(2012), "Turkey: The New Model?" Available at: www.brookings.edu/research/papers/2012/04/24-turkey-new-model-taspinar, April.



## Orientation to West in Turkish Foreign Policy during the Reign of Justice & Development Party

Seyedeh Motahharez Hoseyni<sup>1\*</sup>  
Taleb Ebrahimi<sup>2</sup>  
Safiallah Shah Ghale<sup>3</sup>

Received on: 11/6/2013  
Accepted on: 2/3/2014

### Abstract

Turkey, as a Muslim nation, has worked a lot to promote its rank in domestic and foreign fields. Turkish statesmen believe that their foreign policy is a continuation of Turkish domestic policy. Therefore, they have tested various ways to develop economic and social state of Turkey. During the past few decades, they managed to make social and economic developments so that in comparison with 70s Turkey has become a major hub of economic development and foreign investment in the region. When the Islamists (Justice and Development Party) assumed power in Turkey in 2002, drastic changes occurred in foreign policy dialog of this country. During the years before administration of Justice and Development Party, Turkish statesmen pursued Ahmet Davutoglu's "theory of strategic depth". He was the architect of modern Turkey. Today, Justice and Development Party, under Erdugan, seriously tries to join the European Union. To that end, Turkey has tuned its regional and trans-regional policies in tandem with full conformity with the preconditions for membership in the European Union. This analytical-descriptive paper has used library and Internet sources for its research.

**Keywords:** Foreign policy, Justice and Development Party, Islamists, Turkey, West

---

1\* . Assistant Professor of Human Science Research center, Tehran Academic Crusade.  
(Corresponding Author: ma\_hoseyni@yahoo.com)

2 . Instructor at Kangan University of Applied Sciences, Islamic Azad University of Bandar Dayyer Branch, M.A. in International Relations

3 . Instructor at Islamic Azad University of Komijan Branch, M.A. in Political Science.